

The study of the effect of occupation access on the entry of women into master degree period and fulfillment of their expectation thorough curriculum syllabus

Asiye Kheyrollahi, Ahmad Reza Nasre Isfahani, Mohamad Reza Nili

¹MA in Educational Planning

²Professor of Educational Science, Eafahan University, Eafahan, Iran

³Assistant Professor of Educational Science, Eafahan University, Eafahan, Iran

Abstract

The overall objective of this research was to study about the effect of occupation access on the entry of women into master degree period and fulfillment of their expectation thorough curriculum syllabus in university of Isfahan. Used method was descriptive survey. To collect the data, a researcher-made questionnaire and semi-structured interview were used. The validity was confirmed by some experts and the reliability was verified by using Cronbach's alpha (0/89). The Population included all senior female students at the University of Isfahan in the academic year 1390-91. Then, the sample size was estimated as 254 persons using Cochran's sample size formula. Quantitative results indicated that occupation access was not significantly related to the desire of students for MA education. However, the interview results were not consistent with the findings of the questionnaire. The findings, also, showed that students with low economic status were more willing to continue their education than those with good economic status. Quantitative conclusions showed that students' expectations were not fulfilled by the curriculum syllabus and this was consistent with the results of the questionnaire, too.

Keyword: Women, master of degree, education, occupation access, curriculum syllabus

بررسی علل افزایش ورود زنان به دوره‌های کارشناسی ارشد از منظر تمایلات شغلی افراد و میزان برآورده شدن آن از طریق برنامه‌های درسی دوره‌ها

آسیه خیراللهی، احمدرضا نصر اصفهانی^۱، محمدرضا نیلی

^۱کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی

^۲استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

^۳استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

هدف کلی این پژوهش بررسی تأثیر تمایلات شغلی بر افزایش ورود زنان به دوره‌های کارشناسی ارشد و میزان برآورده شدن آن از طریق برنامه‌های درسی دوره‌ها در دانشگاه اصفهان است. روش پژوهش توصیفی پیمایشی است. ابزار استفاده شده پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه نیمه سازمان یافته است که روایی آنها از طریق متخصصان و پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۹ برآورد گردیده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان زن سال آخر دوره کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ بوده و حجم نمونه پژوهش با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران ۲۵۴ نفر برآورد شده است. یافته‌های کمی بیانگر معنادار نبودن عامل دستیابی به شغل در ورود به دوره کارشناسی ارشد بوده اما نتایج مصاحبه با یافته‌های پرسشنامه همسو نیست. همچنین یافته‌ها نشان داد که دانشجویان با وضعیت اقتصادی ضعیف بیشتر از دانشجویان با شرایط اقتصادی خوب تمایل داشتند که با هدف دستیابی به شغل ادامه تحصیل دهند. نتایج کمی در رابطه با میزان برآورده شدن انتظارات از طریق برنامه درسی نشانگر آن بوده که برنامه درسی انتظارهای دانشجویان را برآورده نکرده است که با نتایج مصاحبه‌ها همسو است.

واژگان کلیدی: زنان، دوره کارشناسی ارشد، آموزش، دستیابی به شغل، برنامه درسی

مقدمه

در جوامع امروزی، داشتن شغل علاوه بر کارکرد اصلی آن که تأمین درآمد است، برای حفظ عزت نفس فرد مهم است. حتی در مواردی که شرایط کار نسبتاً ناخوشایند و وظایف مربوط کسل کننده است. کار معمولاً عنصر تشکیل دهنده‌ای در ترکیب روانی مردم و فعالیت‌های روزانه آنهاست. (Saedi, 2008)

نگریستن به تعلیم و تربیت از زاویه صنعت و حرفه، زمینه‌ای را فراهم آورد تا اقتصاددانان به نگرش جدیدی روی آورند و از سرمایه انسانی (Human Capital) سخن بگویند. این نظریه بیانگر این است که خصوصیات کیفی انسان در پرتو آموزش است که می‌تواند توانایی‌های او را توسعه بخشیده و به صورت منبع درآمدهای بیشتر و یا رضایت خاطر فراوان‌تر در آینده درآید. چنین سرمایه‌ای «انسانی» است. (Sadeghi & Emadzadeh, 2005) هارتوگ و همکاران (Hartog & et. al, 2007) معتقدند که در نظریه سرمایه انسانی، سرمایه گذاری در آموزش عالی به عنوان تلاش اساسی انسان برای دستیابی به امنیت اجتماعی و توانگری مطرح است، چون به طور کلی این‌طور فرض شده که آموزش عالی در طول زمان به کسب درآمد اقتصادی بیشتری منجر می‌شود و آموزش عالی در بحث‌های نظریه سرمایه انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی افزایش قابل توجه زنان در آموزش عالی رخ می‌دهد و تا سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ به ۵۳/۹ درصد افزایش پیدا می‌کند. در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ جمعیت زنان در آموزش عالی از مردان پیشی گرفته است. این تفاوت در سال‌های تحصیلی ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ به اوج خود رسیده اما از سال ۱۳۸۹ کمی از میزان اختلاف کاسته می‌شود و در سال ۱۳۹۱-۱۳۹۰ این آمار به صورت ۴۸/۵۶ درصد مرد در برابر ۵۱/۴۴ درصد زن، گزارش شده است. جمعیت زنان در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد نیز روبه افزایش است، آمارهای موجود در دانشگاه اصفهان نشان می‌دهد که میزان ورودیان زن در تمام دوره‌ها و به طور خاص در دوره‌های کارشناسی ارشد بیش از مردان بوده و این روند در حال افزایش می‌باشد به طوری که در

سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹، ۵۳ درصد از ورودیان را زنان و ۴۷ درصد آنان را مردان تشکیل داده‌اند.

تمایل به دستیابی به شغل با محور قرار دادن حرفه در تعلیم و تربیت، نظام تعلیم و تربیت را به صورت جریان‌ی می‌بیند که باید محصول آن افرادی باشند که مهارت معینی را کسب کرده‌اند. والکر (Walker, 1996) می‌گوید، به همین سبب است که تمایل به تنظیم استانداردهای مکفی (competency standards) برای همه مشاغل و حرف به وجود می‌آید و مؤسسه‌های تعلیم و تربیت نیز به منزله یک شرکت و بر حسب استانداردهای مهارت مورد تجدید سازمان قرار می‌گیرند. از نظر حرفه‌گرایان، دروس نظری مادام که کاربرد عملی نیابند، حاصلی به بار نمی‌آورند و صرفاً باری بر دوش دانش‌آموزان و نظام‌های تعلیم و تربیت و سرمایه ملی محسوب می‌شوند.

در منابع اسلامی نیز نسبت به شغل و حرفه نگاه مثبتی وجود دارد که در ادامه برخی از موارد موجود در این زمینه بیان می‌گردد. در روایتی از علی (ع) آمده است که فرمود: «خداوند به داود وحی کرد که تو بنده خوبی هستی مشروط بر این که از بیت‌المال استفاده نمی‌کردی و از کار یدی پرهیز نمی‌کردی. از این سخن، داود چهل روز در اندوه و زاری بود تا آن که خداوند به آهن وحی کرد که بر بنده من داود نرم شو. پس خداوند آهن را برای او نرم کرد و او در هر روز زرهی می‌ساخت و آن را به هزار درهم می‌فروخت و به این نحو سیصد و شصت زره ساخت و آنها را به سیصد و شصت هزار درهم فروخت و از بیت‌المال مستغنی شد.» چنان که در این روایت ملاحظه می‌شود تأیید خداوند نسبت به داود به منزله بنده خوب، در گرو آن قرار گرفته که او در اداره معیشت خود از اتکا به بیت‌المال خودداری کند و خود بار خویش را به دوش بکشد. تعبیر «بنده خوب» به روشنی حاکی از آن است که در اینجا هویت انسانی و ویژگی‌ها و خصایل شخصیتی مورد نظر است و این امر در گرو کار و تأمین خویشتن از طریق آن قرار گرفته است. (Fazekashani, 1996) فردی به نام محمد بن منکدر می‌گوید در یکی از روزهای گرم مدینه دیدم که امام محمد باقر (ع) با وضعیت کسالت باری به دو نفر تکیه

بر همین اساس مهمترین انگیزه اشخاص و خانواده‌ها نیز برای سرمایه گذاری در تحصیلات بازده شخصی آن است. در جوامع صنعتی آموزش و پرورش به عنوان مؤلفه‌ای اساسی برای رشد اقتصادی مطرح است، چرا که آموزش و پرورش در درجه اول مهارت‌ها و نگرش‌های لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی موجب می‌شود و در درجه دوم قابلیت‌های لازم را برای سازگاری و انعطاف در برابر رویکردهای جدید و درگیر شدن با تغییرات تکنولوژی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌سازد (Azkiya, 2002).

در تأثیر علل اقتصادی بر تمایل زنان و مردان به تحصیل در سطوح عالی به نیاز و کارکرد برآورد نیاز نیز اشاره کرد. «مهمترین مسأله برای هر دو جنس (زن و مرد) عبارت از اشتغال، اسکان و ازدواج» است. با این حال متناسب با هر یک از مشاغل متفاوت است (Rabbani&Shahnooshi, 2002) محققان در پژوهش‌های خود دریافتند که اشتغال از جمله دلایل مهم و تأثیرگذار برای زنان در ورود به دوره‌های آموزش عالی است

(Talebifar, 2002; Rezayat, 2005; Mohammadi&Tarami, 2006; Hasanzadeh, 2007 and Saedi, 2008) همچنین براتعلی، یوسفی و جعفری (2010) در

پژوهش «زنان، اشتغال و تحصیلات آموزش عالی» به تبیین موضوع اشتغال زنان و تمایل آنان به نقش آفرینی در اجتماع و به دست آوردن جایگاه شغلی مناسب در بستر روی آوری به تحصیلات آموزش عالی و کسب مدارج علمی بالاتر پرداختند. نتایج نشان داد کسب مدارج بالایی تحصیلی با افزایش اشتغال همراه بوده است. همچنین آزمودنی‌ها نقش بالای آموزش عالی را در توسعه اشتغال و ارتقای موقعیت شغلی گزارش کردند. با توجه به این مطالب یکی از علل گرایش زنان به تحصیل در سطوح عالی تمایل زنان به استقلال مالی است. مکسول (Maxwell, 2000) و نولند

(Noland, 2001) رسیدن به شغل و درآمد و اهداف شغلی را از جمله انگیزه‌های افراد به ویژه زنان برای ورود به دانشگاه دانستند. کانتون (Canton, 2001) نیز در پژوهش خود با عنوان «انگیزه ورود به دانشگاه در کشور هلند»، دریافت که سرمایه گذاری بلندمدت به معنی یافتن شغل‌هایی با درآمد بالا و اطمینان بیشتر مهمترین انگیزه

کرده و مشغول داد و ستد است. او می‌گوید: «سوسه شدم امام را موعظه کنم، پس به او گفتم: پیر مردی با این حالت در طلب دنیا است؟ اگر در این حال، مرگ شما در رسد چه خواهید کرد؟» امام به او گفت: «اگر مرگ من در رسد و من در این حال باشم، در حالی به سراغ من آمده است که مشغول انجام یکی از فرامین الهی بوده‌ام تا عزت خود و خانواده‌ام را از تو و دیگران مصون بدارم (Vasaalshieh naghlas Bagheri, 1999).

از نظر اسلام انجام فعالیت‌های اجتماعی، علمی، اقتصادی و سیاسی برای زنان کاملاً باز است و افراد بشر اعم از زن و مرد از لحاظ حقوق اجتماعی دارای وضعیتی مساوی و مشابه هستند. امام خمینی (ره) (1996) در این زمینه می‌فرماید: «در نظام اسلامی زن همان حقوق را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رای دادن و حق رای گرفتن، در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد». در زمینه شغل برای زنان قرآن کریم می‌فرماید: «للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن» (نساء ۳۲) مردان را از آنچه کسب می‌کنند و به دست می‌آورند، بهره‌ای است و زنان را از آنچه کسب می‌کنند و به دست می‌آورند بهره‌ای است. اسلام برای اشتغال زنان و کارکردن آنها محدودیتی قائل نشده است. البته چنانچه امام خمینی (ره) (1996) اظهار داشته‌اند: «شغل صحیح برای زن هیچ مانعی ندارد». مقام معظم رهبری نیز درباره اشتغال زنان می‌فرماید: «از نظر اسلام میدان تلاش و فعالیت برای زنان کاملاً باز است و اگر کسی بخواهد با استناد به بینش اسلامی، زن را از کارهای اجتماعی محروم کند، برخلاف حکم خدا سخن گفته است» با توجه به توضیحات فوق و با استفاده از اسلام ناب محمدی می‌توان الگویی مفید و موثر در تبیین جایگاه خانوادگی و اجتماعی زنان ارائه نمود. الگویی که نه به پرده نشینی و انزوای زن معتقد است، نه به اختلاط بی‌مورد و بی‌پروای او با جمع مردان، بلکه به «حریم» معتقد است. حریمی که در آن زنان با حفظ شخصیت و ارزش وجودی خویش می‌توانند به طور فعال وارد صحنه‌های اجتماعی شده و به انجام تکالیف و وظایف اجتماعی بپردازند (Rezayat, 2005).

روش پژوهش

روش به کار رفته در این پژوهش توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان زن سال آخر دوره کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ بوده است. حجم نمونه پژوهش با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران ۲۵۴ نفر برآورد گردیده که از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی انتخاب شده‌اند، نسبت اعضای نمونه در گروه‌ها در جدول شماره ۱ ارائه شده است. در انجام مصاحبه نیز از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد که در مجموع، ۲۵ نفر از دانشجویان مصاحبه شد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه سازمان یافته و پرسشنامه محقق ساخته است. پرسشنامه این پژوهش دارای هفت مقوله شامل دستیابی به شغل، کسب منزلت اجتماعی، بهبود زندگی مشترک، علاقه به علم و رشد شخصی، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، دلایل شخصی و برنامه درسی است که در قالب ۴۸ سؤال طیف لیکرت تنظیم شد. به دلیل حجم زیاد داده‌ها، در این مقاله تنها نتایج مربوط به مقوله دستیابی به شغل گزارش شده است. روایی ابزار پژوهش از طریق ۵ نفر از استادان گروه علوم تربیتی و ۵ نفر دانشجویان زن در دوره‌های تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکتری) و پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۹ برآورد شده است.

همان گونه که در جدول شماره ۱ قابل ملاحظه است، تعداد اعضای نمونه در هر رشته متناسب با نسبت جمعیت دانشجویان در این رشته‌ها مشخص شده است. از ۱۹۹ عدد پرسشنامه‌ای که به محقق بازگشت داده شده است.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول: دستیابی به شغل در تمایل زنان برای ورود به دوره تحصیلات تکمیلی در ادامه یافته‌های حاصل از مصاحبه (کیفی) و پرسشنامه (کمی) ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است که با توجه به این که روش پژوهش از نوع اکتشافی بوده است ابتدا یافته‌های کیفی که از روش مقوله‌بندی تحلیل شده است، ارائه می‌گردد و بعد از آن یافته‌های کمی بیان خواهد شد.

برای ورود به دانشگاه است. اسپریگ (Sprague, 1998) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که متغیر آموزش، عامل بسیار مهمی در افزایش اشتغال زنان است. با این وجود جایاورا (Jayaweera, 2000) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین آموزش عالی و توان بخشی زنان» دریافت به رغم تلاش نظریه انسانی که اولویت خاصی به آموزش عالی به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی و منابع انسانی می‌دهد، در عمل رابطه خطی مثبتی بین آموزش عالی و توان بخشی زنان وجود ندارد. در زمینه ارزیابی از برنامه درسی نیز بازرگان، کشاورز، اسحاقی و محمدی (2010) در پژوهشی موردی از دوره دکتری ارزیابی کردند که نتایج نشان داد برنامه درسی در دوره مورد بررسی دارای وضعیت نسبتاً مطلوب بوده و به بازنگری نیاز دارد.

با توجه به گذشتن چند دهه از افزایش ورود زنان به دانشگاه پیامدهایی از جمله افزایش بیکاری دانش‌آموخته‌ها گویای تبعاتی از افزایش حضور زنان است که عواقب سوء آن بیشتر متوجه خود آنان و در همین راستا متوجه کل جامعه می‌شود، اما از آنجایی که گرایش وسیع زنان به ادامه تحصیل به یک پدیده غیرقابل انکار در جامعه تبدیل شده است و با نظر به این که آموزش از حقوق اساسی هر فرد در جامعه محسوب می‌شود، نمی‌توان با رویکردی کاملاً بدبینانه به آن نگاه کرد. بنابراین آنچه ضروری به نظر می‌رسد شناخت دقیق عوامل افزایش گرایش زنان به آموزش عالی و تلاش در جهت هماهنگی هر چه بیشتر برنامه‌های درسی در دوره‌ها با انتظارات برآمده از این عامل‌ها است. با تأمل در پژوهش‌های گذشته در رابطه با انتظارات زنان از دوره‌های تحصیلی، دستیابی به شغل از جمله مواردی است که در اکثر موارد بیان شده است که نشان دهنده اهمیت این مورد است. هدف این پژوهش این است که دستیابی به شغل را در ارتباط با دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه اصفهان مورد بررسی قرار داده، پس از آن به میزان برآورده شدن این انتظارات از طریق برنامه‌های درسی در حال اجرا در دانشگاه بپردازد. این مطالعه موجب می‌شود تا میزان توفیق برنامه‌های موجود در پاسخ‌گویی به انتظارات زنان روشن شود و اصلاحات مورد نیاز مشخص شود.

شغل از جمله مهمترین دلایل من برای ادامه تحصیل است چون بعد از ۱۸ یا ۱۹ سال تحصیل انتظار دارم شغل مناسبی به دست بیاورم، البته شغل‌های موفقی داشتم اما به دنبال موقعیت مناسب‌تری تصمیم به ادامه تحصیل گرفتم.»

دسته دوم افرادی بودند که به دلیل علاقه به تدریس در دانشگاه و حضور در محیط‌های آموزشی به عنوان محیط کار آینده خود وارد این دوره شدند. فرد شماره ۱۴ در این زمینه می‌گوید: «چون من هر شغلی را نمی‌پسندم و بیشتر محیط‌های آموزشی را دوست دارم. هر جایی سر کار نمی‌روم به همین خاطر ادامه تحصیل دادم تا بتوانم شغل مورد نظرم را پیدا کنم.» در همین راستا فرد شماره ۲۱ می‌گوید: «با توجه به محیط‌های کاری فنی و صنعتی در رشته ما، من چون آن را مناسب نمی‌دیدم تصمیم گرفتم که تدریس کنم به همین خاطر ادامه تحصیل دادم.»

از بین افرادی که انگیزه اقتصادی برای ادامه تحصیل نداشتند، علاقه به علم و رشته تحصیلی خود را مطرح کردند.

در این خصوص فرد شماره ۲ نیز هدف خود را این گونه بیان می‌کند: «اصلاً هدف من دستیابی به شغل نبوده است. یک سری مسائل فرهنگی و اجتماعی و قرار گرفتن کشورمان در موقعیت خاصی نسبت به کشورهای دیگر و اینکه برای رسیدن به آرمان‌های انقلاب بعد از گذشت ۳۰ سال من فکر کردم با تحصیلات بتوانم بخشی از این کار عظیم را انجام دهم. مثلاً بعد از انقلاب قرار بود در علوم انسانی تحولی صورت بگیرد که من فکر کردم بتوانم در این کار کمک کنم.» در جدول شماره ۲ مؤلفه‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها بیان شده است.

الف) یافته‌های حاصل از مصاحبه: از جمله مهمترین نیازهای فرد برای تداوم زندگی نیازهای مادی و اقتصادی اوست که همواره بخش مهمی از تلاش‌های او در زندگی در جهت تأمین این بخش از نیاز و رسیدن به رفاه بیشتر است. راه برآوردن این نیاز هم داشتن شغلی مناسب برای فرد است که هم بتواند نیازهای او را برطرف نماید و هم این که در جهت علاقه و تمایلات فرد باشد. از جمله راه‌هایی که فرد برای رسیدن به شغل مورد نظر خود پیش رو دارد کسب تحصیلات علمی و دستیابی به تخصص لازم و از این طریق یافتن شغل مناسب است.

گروه اول از مصاحبه شونده‌گان افرادی بودند که صرفاً به جهت پیدا کردن شغل مناسب و موقعیت بهتر شغلی و البته کسب درآمد بیشتر هستند. زیرا فکر می‌کردند که با مدرک لیسانس نمی‌توانستند شغلی پیدا کنند. برای مثال، فرد شماره ۷ در این زمینه می‌گوید: «دستیابی به شغل ۱۰۰۰ در صد در ورود من به دوره ارشد مؤثر بوده است. من براساس رشته لیسانسم که جغرافیا بود نمی‌توانستم شغلی پیدا کنم برای همین تصمیم گرفتم فوق لیسانس بگیرم تا بتوانم کاری مناسب پیدا کنم.»

از میان پاسخ دهندگان برخی معتقد بودند که با مدرک لیسانس هم نمی‌توانستند شغل پیدا کنند اما با این تصور که با گرفتن فوق لیسانس فرصت به دست آوردن شغل بهتر و متناسب با تخصص آنها و البته با حقوق و مزایای بیشتر را می‌توانند کسب کنند تصمیم به ادامه تحصیل در دوره ارشد گرفتند. به طور مثال فرد شماره ۱۵ بیان کرد. «در رشته ما (شیمی) هر چقدر تحصیلات فرد بیشتر باشد آینده بهتری هم خواهد داشت دکتری هم بهتر از ارشد است.» علاوه بر این، در این زمینه فرد شماره ۱ می‌گوید: «بله دستیابی به

جدول ۱ - توزیع فراوانی دانشجویان

رشته‌ها	تعداد دانشجویان زن در جامعه	تعداد دانشجویان زن در نمونه
علوم انسانی	۴۶۷	۱۵۹
علوم پایه	۲۲۴	۷۶
فنی و مهندسی	۵۷	۲۰
جمع	۷۴۸	۲۵۴

رضایت داشتند و معتقد بودند که برنامه انتظارات آنان در زمینه دستیابی به شغل را برآورده است. گروه دوم در برگیرنده آن دسته از افراد می‌شود که از برنامه دوره راضی نبوده و آن را برآورنده انتظارات شغلی خود نمی‌دانستند.

از میان افرادی که رضایت خود را از برنامه درسی اعلام کردند برخی وجود اطلاعات مناسب و واحدهای درسی عملی را از جمله نکات مثبت موجود در دوره معرفی کردند، به عنوان نمونه فرد شماره ۲۴ می‌گوید: «برنامه درسی خیلی اطلاعات مرا افزایش داد و با چیزی که در لیسانس خواندیم بسیار متفاوت بود. حتی خود من هم نسبت به دوره قبل متفاوت‌تر هستم.» در همین راستا فرد شماره ۱۵ می‌گوید: «بیشتر کارهای آزمایشگاهی که در دوره داشتیم به صورت مستقل انجام دادیم که این بسیار مفید بود».

تعدادی هم از دروس دوره رضایت داشتند اما اظهار کردند که چون وارد بازار کار نشده‌اند به طور قطع قادر به اظهار نظر در این زمینه نیستند. برای مثال فرد شماره ۱۶ می‌گوید: «با توجه به این که من در گرایش جدیدی شرکت کردم و اطلاعات خوبی هم به ما دادند، فکر می‌کنم برنامه درسی مناسب بوده است، البته من هنوز وارد بازار کار نشده‌ام.» البته در این میان فرد شماره ۹ می‌گوید: «برنامه‌درسی تا حدودی موثر بوده اما زمان این دوره بسیار محدود است و درس‌هایی که ارائه می‌شود بسیار متنوع هستند و به یک زمینه به طور عمیق و متمرکز نمی‌پردازد».

آن دسته از مصاحبه شونده‌گان که از برنامه‌درسی موجود ناراضی بودند دلایلی همچون بیش از حد تئوری بودن دروس و نامناسب بودن روش‌های تدریس و برخی از سرفصل‌ها را بیان نمودند. به عنوان مثال فرد شماره ۳ می‌گوید: «برنامه‌درسی ۲۰ تا ۲۵ درصد انتظارات من در زمینه شغل را برآورده کرده است چون ما اگر بخواهیم جایی کار کنیم باید حتماً قبل از آن آموزش ببینیم. فکر می‌کنم ما نیاز به یادگیری مهارت داریم تا این که دروس مثل دوره لیسانس صرفاً تئوری باشد.» در همین راستا فرد شماره ۱۱ می‌گوید: «برنامه درسی اصلاً برای شغل مناسب نیست فقط به این صورت مفید است که راهی برای رفتن به مقطع بالاتر است. من فکر می‌کنم در رشته ما برای برنامه‌درسی که هست کم کاری می‌شود و امکان انجام کار

ب) یافته‌های کمی: سؤالات مربوط به حیطه دستیابی به شغل به صورت خلاصه شده در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

* ردیف اول فراوانی، ردیف دوم درصد

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که میانگین حاصل از سؤال‌های شماره ۳، ۴ و ۱ با میانگین‌های ۳/۳، ۳/۲۴ و ۳/۲ به ترتیب دارای بیشترین میانگین بوده‌اند. در این میان جمع دو طیف موافق و کاملاً موافق در سؤال ۳ از همه بالاتر بود. سؤال‌های شماره ۷ و ۲ با میانگین‌های ۲/۷ و ۲/۷۵ دارای کمترین میانگین بوده‌اند. در این دو سؤال طیف موافق و کاملاً موافق دارای میانگین بالایی هستند، البته سؤال ۷ از جمله سؤالات منفی در پرسشنامه است که به طور معکوس شماره‌گذاری شده است. نتایج یافته‌های حاصل از آزمون t تک متغیره نیز نشان می‌دهد که t محاسبه شده ۱/۰۸۳ بوده و تفاوت مشاهده شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست ($P < 0/05$). به عبارت بهتر، تمایل به دستیابی به شغل در گرایش به ورود به دوره کارشناسی ارشد به طور معنادار موثر نبوده است اگرچه میزان به دست آمده در میانگین طیف (۳/۰۶) در مقایسه میانگین فرضی ۳ و بر مبنای نتایج آماری، این عدد به صورت تصادفی بوده است.

سؤال دوم: برآورده شدن انتظار دانشجویان در زمینه دستیابی به شغل از طریق برنامه‌های درسی دوره

هر دوره تحصیلی از عناصر اصلی تشکیل دهنده برنامه‌های درسی شامل هدف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی است که تمام این موارد به اضافه محیط، امکانات، تعاملات و فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاه، سیر حرکت دانشجو را از ورود به دوره تا پایان تشکیل می‌دهند و فرایند یادگیری در خلال دوره و در تعامل با این برنامه در فرد شکل می‌گیرد. حال باید دید که برنامه‌های درسی دوره‌های کارشناسی ارشد دانشگاه پاسخ‌گوی انتظارات مختلف دانشجویان زن بوده است یا خیر. پاسخ به این سؤال در دو قسمت کیفی و کمی بررسی می‌گردد.

الف) یافته‌های حاصل از مصاحبه: پاسخ مصاحبه شونده‌گان در این زمینه را میتوان در دو گروه تقسیم نمود. گروه اول که شامل افرادی است که از برنامه درسی دوره

زیاد آنها موجب می‌شود به خوبی به دانشجو توجه نکنند.» فرد شماره ۲ نیز این گونه نظر خود را بیان کرد: «نه درس‌های ما به این آرمان کمک می‌کند و نه حتی اساتید به ما فرصت نقد نظریه‌های غربی را می‌دهند. اشکال هم از اساتید است و هم از محتوا، دانشجویان ارشد باید در هفته ۸ تا ۱۰ ساعت سر کلاس‌هایی باشند که زیاد هم مؤثر نیست، بهتر است وقت بیشتری صرف پایان‌نامه شود چون نقطه اصلی تمرکز دانشجوی ارشد پایان‌نامه است و گرنه دروس را که در کارشناسی هم می‌شد خواند.»

(ب) یافته‌های کمی: سؤالات مربوط به برآورده شدن انتظار دستیابی به شغل به طور خلاصه در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

عملی بسیار ضعیف است و تکنیک زیادی نداریم به خصوص تکنیک‌هایی هم که هست در شهر من قابل کاربرد نیست و بیشتر برای همین شهر است.»

فرد شماره ۱۳ نیز تنها وجود پایان نامه را در کمک به دست یافتن به شغل مؤثر می‌دانست و بیان کرد سایر دروس تکرار دوره لیسانس است. افرادی هم علت نارضایتی خود را از عملکرد اساتید میدانستند. برای مثال فرد شماره ۱۸ می‌گوید: «درس‌ها خوب بود اما اساتید خیلی عملکرد خوبی نداشتند و خیلی از ما کار نمی‌کشیدند. اگر از ما پروژه می‌خواستند مجبور می‌شدیم بیشتر کار کنیم و تجربه به دست آوریم.» در همین راستا فرد شماره ۲۱ می‌گوید: «چون اساتید اکثراً سمت اداری در دانشگاه دارند مسؤلیت

جدول ۲ - مؤلفه‌های استخراج شده از مصاحبه

انتظار به پیدا کردن شغلی متناسب با رشته و تخصص بعد از ۱۸ یا ۱۹ سال تحصیل.	گروه اول	مؤلفه‌ها
دست یافتن به موقعیت‌های شغلی عالی که به کسب مدرک دکتری نیازمند است.		
پیدا نکردن شغل با مدرک لیسانس.		
پیدا کردن کار بهتر با فوق لیسانس.		
امکان تحصیل در مقطع دکتری به منظور استاد دانشگاه شدن.		
کمتر بودن تعداد افراد با مدرک فوق لیسانس در جامعه و در نتیجه داشتن شانس بیشتر برای دست یافتن به شغل.		
دست یافتن به موقعیت بهتر در محیط کار.		
پیدا کردن شغل تخصصی با حقوق بیشتر.		
حل مسائل فرهنگی کور و کمک به آن در رسیدن به آرمان‌های انقلاب.	گروه دوم	
جامعیت رشته و تأثیر آن بر تمام جوانب زندگی و نه لزوماً پیدا کردن شغل.		
علاقه به رشته بیش از انگیزه شغلی.		

جدول ۳ - اطلاعات توصیفی گویه‌های مربوط به دستیابی به شغل

انحراف معیار	میانگین طیف	جمع فراوانی و درصد موافق و کاملاً موافق	کاملاً موافق	موافق	ناحدودی	مخالف	کاملاً مخالف	گویه‌ها
۱/۰۵	۳/۲	۴۹	۱۵	۲۴	۸۹	۴۷	۲۴	۱. امکان اشتغال بیشتر
		۱۹/۶	۷/۵	۱۲/۱	۴۴/۷	۲۳/۶	۱۲/۱	
۰/۹۱	۲/۷۵	۸۲	۱۱	۷۱	۸۰	۲۷	۹	۲. افزایش رفاه
		۴۱/۲	۵/۵	۳۵/۷	۴۰/۲	۱۳/۶	۴/۵	
۰/۹۹	۳/۳	۹۶	۱۶	۸۰	۵۹	۳۴	۹	۳. کارایی بیشتر در انجام مسؤلیت‌های شغلی زنان
		۴۸/۲	۸/۰	۴۰/۲	۲۹/۶	۱۷/۱	۴/۵	
۱/۰۵	۳/۲۴	۵۱	۱۰	۴۱	۵۶	۶۹	۲۰	۴. پیش نیاز احراز شغل‌های مدیریتی
		۲۶/۶	۵/۰	۲۰/۶	۲۸/۱	۳۴/۷	۱۰/۱	
۱/۰۲	۳/۰۵	۶۴	۱۲	۵۲	۷۰	۵۱	۱۴	۵. مورد توجه قرار گرفتن حقوق زنان
		۳۲/۱	۶/۰	۲۶/۱	۳۵/۲	۲۵/۶	۷/۰	
۱/۰	۳/۰۹	۵۲	۱۲	۴۰	۷۶	۵۴	۱۴	۶. سهم شدن در نیروی کار تولیدی جامعه
		۲۶/۱	۶/۰	۲۰/۱	۳۸/۲	۲۷/۱	۷/۰	
۱/۰۶	۲/۷	۸۸	۲۷	۶۱	۵۸	۴۷	۶	۷. تحصیل در دوره کارشناسی ارشد تأثیری در اشتغال ندارد، یعنی می‌توان با تحصیلات کم هم شغل پیدا کرد.
		۴۴/۳	۱۳/۶	۳۰/۷	۲۹/۱	۲۳/۶	۳/۰	
۵/۰۶	۳/۰۶							جمع کل

جدول ۴ - اطلاعات توصیفی داده‌ها زمینه برآورده شدن انتظار دستیابی به شغل از طریق برنامه درسی

انحراف معیار	میانگین طیف	جمع فراوانی و درصد زیاد و خیلی زیاد	خیلی زیاد	زیاد	ناحدودی	کم	خیلی کم	گویه‌ها
۰/۹۸	۲/۳۶	۲۱	۴	۱۷	۷۰	۶۴	۴۳	امکان دستیابی به شغل از طریق برنامه‌های درسی دوره کارشناسی ارشد
		۱۰/۵	۲/۰	۸/۵	۳۵/۲	۳۲/۲	۲۱/۶	
۰/۹۵	۲/۲۲	۱۶	۳	۱۳	۶۱	۷۰	۵۱	تناسب برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد با نیازهای شغلی آینده
		۸/۰	۱/۵	۶/۵	۳۰/۷	۳۵/۲	۲۵/۶	
۱/۸۰	۲/۲۹							جمع کل

* ردیف اول فراوانی، ردیف دوم درصد

برای او مشخص می‌کند و از این راه بسیاری از جنبه‌های زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین هر فرد در تصمیم‌های زندگی بسته به میزان اعتقادش، دین را دخالت می‌دهد. در این پژوهش به دنبال تفاوت پاسخ شرکت‌کنندگان با درجه‌های اعتقادی مختلف به سؤال‌های پژوهش از دانشجویان خواسته شد که اعلام نمایند تا چه اندازه به عقاید دینی پایبند هستند. به عبارت دیگر آیا خود را فرد کاملاً اعتقادی و مذهبی می‌دانند یا این که به اعتقادات کمتر توجه دارند و فرد کاملاً مذهبی نیستند. البته در گزینه‌ها مورد فرد بدون اعتقاد نیز قرار داده شد، اما از آنجا که اکثر افراد در زندگی به اصولی معتقد هستند، تعداد پاسخ‌ها در این گزینه بسیار اندک بوده و قابلیت عملیات آماری نداشت لذا در تحلیل داده‌ها از دو گزینه معتقد و کمتر معتقد استفاده شد. لازم به ذکر است که پایبندی مذهبی جزو متغیرهای جامعه شناختی است که برای سنجش آن به پرسشنامه‌ای حاوی چند سؤال و بررسی شاخص‌های مذهبی بودن احتیاج است اما در این پژوهش به منظور پیش‌گیری از طولانی شدن پرسشنامه و تعدد سؤال‌ها، این ویژگی با یک پرسش و دریافت نظر دانشجویان در ارتباط با اعتقادات مذهبی خودشان پرسیده شده است. بنابراین در تفسیر یافته‌ها باید کاملاً محتاط بود. ۹۸ نفر (۴۹/۲ درصد) اعلام کردند که فرد معتقدی هستند و ۹۷ نفر (۴۸/۷ درصد) خود را فرد کمتر معتقدی می‌دانستند.

در این متغیر اختلاف مشاهده شده بین میانگین پاسخ دانشجویان کاملاً معتقد و دانشجویان کمتر معتقد به عقاید دینی معنادار نیست ($P < 0.05$). یعنی پاسخ‌گویان با پایبندی مذهبی در سطح متفاوت نظرات یکسانی در رابطه با تأثیر دستیابی به شغل در ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد ارائه نموده‌اند.

۳ - رشته تحصیلی: رشته‌های تحصیلی دانشگاه در سه دسته علوم انسانی (شامل دانشکده ادبیات، اقتصاد، علوم تربیتی، تربیت بدنی و حسابداری)، علوم پایه (شامل دانشکده علوم زیستی، ریاضی و آمار، شیمی، فیزیک و زمین‌شناسی) و فنی مهندسی (شامل دانشکده فنی و مهندسی) در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است که

براساس جدول شماره ۳ جمع و درصد خیلی زیاد و زیاد در سطح پایینی قرار دارد که به خاطر این بوده که عمدتاً گزینه تاحدودی و بعد از آن کم و خیلی کم انتخاب شده است. این نتایج بیانگر عدم توفیق برنامه در برآورده نمودن انتظار دانشجویان در زمینه دستیابی به شغل است. یافته‌های حاصل از آزمون t تک متغیره نیز نشان می‌دهد که t محاسبه شده ۱۰/۹۶۴- بوده که از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است ($P < 0.05$) و با توجه به تفاوت میانگین مشاهده شده (۰/۷۱-) می‌توان گفت که برنامه درسی انتظار دانشجویان را در زمینه دستیابی به شغل برآورده نمی‌کند.

سؤال سوم: تفاوت دیدگاه دانشجویان به ادامه تحصیل با هدف دستیابی به شغل با توجه به متغیرهای جمعیتی شناختی.

در ادامه متغیرهای؛ ۱ - رشته تحصیلی، ۲ - وضعیت اقتصادی، ۳ - سن و ۴ - گرایش‌های مذهبی بررسی می‌شود. لازم به ذکر است در متغیرهای سن و گرایش‌های مذهبی که دو ارزشی است از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه (t مستقل)، استفاده شده است، اما در دو متغیر دیگر که چند ارزشی است از آزمون مقایسه میانگین چند جامعه (MANOVA) یا تحلیل واریانس (F)، استفاده شد.

۱ - سن: توزیع سنی در این پژوهش در دو دسته دانشجویان زیر ۲۵ سال و ۲۶ سال به بالا در نظر گرفته شده است، لازم به ذکر است که به دلیل تراکم کمتر دانشجویان در سنین بالاتر از ۲۶ سال نمی‌توان آن را در دسته دیگری قرار داد. ۹۳ نفر (۴۶/۷ درصد) از شرکت‌کنندگان در سن زیر ۲۵ سال و ۱۰۳ نفر (۵۱/۸ درصد) ۲۶ سال به بالا هستند.

نتایج آزمون t بیانگر آن است که اختلاف مشاهده شده بین میانگین پاسخ دانشجویان در سنین مختلف معنادار نیست ($P < 0.05$). یعنی پاسخ‌گویان در سنین مختلف نظرات یکسانی در رابطه با تأثیر دستیابی به شغل در ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد ارائه نموده‌اند.

۲ - پایبندی مذهبی: به عنوان یکی از اصول و پایه‌های مهم در زندگی هر شخصی جهان بینی خاصی را

نتایج جدول شماره ۵ فراوانی، میانگین و انحراف معیار حیطه دستیابی به شغل را به تفکیک وضعیت اقتصادی مشخص نموده است.

جدول شماره ۶ نتایج آزمون تحلیل واریانس را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج آزمون لوین که معنادار نبوده ($P < 0/05$) و بیانگر تساوی واریانس‌ها است، در این متغیر اختلاف مشاهده شده بین افراد با وضعیت اقتصادی مختلف (خوب، متوسط و ضعیف) در تمایل به دستیابی به شغل، معنادار است ($P < 0/05$). یعنی دانشجویان با وضعیت اقتصادی متفاوت در زمینه دستیابی به شغل نظر یکسانی ندارند. قابل ذکر است برای دانستن این که تفاوت در بین کدام گروه‌ها معنادار است، لازم است از آزمون تعقیبی شفه استفاده نمود. در ادامه نتایج آزمون تعقیبی شفه (Scheffe) (پس از تجربه) بیان می‌گردد.

در این قسمت فقط یافته‌های مربوط به تفاوت‌های معنادار ذکر می‌شود.

جدول شماره ۷ نتایج آزمون تعقیبی شفه در مورد وضعیت اقتصادی را بر حسب سه نوع خوب، متوسط و ضعیف نشان می‌دهد. بر اساس نتایج تفاوت معناداری بین دانشجویان با وضعیت اقتصادی ضعیف نسبت به دانشجویان دارای سطح خوب اقتصادی وجود دارد ($P < 0/05$).

به این معناست افراد دارای سطح اقتصادی ضعیف نسبت به افراد با وضع اقتصادی خوب تمایل بیشتری برای ادامه تحصیل با هدف دستیابی به شغل دارند. در عین حال در بقیه موارد بین نظرات پاسخگویان اختلاف معناداری دیده نمی‌شود ($P < 0/05$).

تعداد افراد در گروه فنی مهندسی از ۳۰ نفر کمتر بوده و این موضوع تحلیل واریانس را با مشکل رو به رو می‌کند، اما با توجه به این که واریانس‌ها یکسان هستند با مشورت کارشناس آمار از این آزمون استفاده شده است. از بین شرکت کنندگان ۱۲۳ نفر (۶۱/۸ درصد) در رشته‌های علوم انسانی، ۵۶ نفر (۲۸/۱ درصد) علوم پایه و ۲۰ نفر (۱۰/۱ درصد) در گروه فنی و مهندسی قرار دارند.

اختلاف مشاهده شده بین دستیابی به شغل و رشته تحصیلی معنادار نیست ($P < 0/05$). یعنی پاسخ‌گویان در رشته‌های تحصیلی مختلف نظر یکسانی دارند.

۴ - وضعیت اقتصادی: از آنجایی که وضعیت اقتصادی از جمله مواردی است که برخی از افراد در برابر بیان میزان دقیق آن مقاومت می‌نمایند و به عبارت دیگر محافظه کارانه رفتار می‌نمایند، برای جمع‌آوری اطلاعات سه وضعیت اقتصادی خوب، متوسط و ضعیف در نظر گرفته شد و از شرکت‌کنندگان خواسته شد که با توجه به این سه گزینه وضعیت اقتصادی خود را مشخص نمایند. البته در این گونه دسته‌بندی مشکل نسبی بودن نظر افراد با توجه به تفاوت دیدگاه‌ها و سطح توقع آنان وجود دارد اما به این دلیل که همه افراد از بیان میزان دقیق درآمد خود احساس خوشایندی نخواهند داشت، در این پژوهش از دسته‌بندی استفاده شده است. لازم به ذکر است که تعداد افراد در دسته ضعیف از ۳۰ نفر کمتر بوده و این موضوع تحلیل واریانس را با مشکل روبه‌رو می‌کند، اما با توجه به این که واریانس‌ها یکسان هستند با مشورت کارشناس آمار از این آزمون استفاده شده است.

جدول ۵ - فراوانی، میانگین و انحراف معیار حیطه دستیابی به شغل به تفکیک وضعیت اقتصادی

دسته بندی	تعداد	میانگین	انحراف معیار
خوب	۳۴	۲۳/۱۷	۴/۲۳
متوسط	۱۲۲	۲۱/۰۷	۴/۸۴
ضعیف	۱۰	۱۸/۹	۶/۱۹

جدول ۶ - نتایج تحلیل مانوا برای مقایسه تأثیر حیطه دستیابی به شغل بر حسب وضعیت اقتصادی

دستیابی به شغل	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آماری
وضعیت اقتصادی	۱۸۲/۶۶	۲	۹۱/۳۳	۳/۹۳	۰/۰۲۱	۰/۴۸	۰/۷۰۲

جدول ۷ - نتایج آزمون تعقیبی شفه در مورد وضعیت اقتصادی

وضعیت اقتصادی	تفاوت میانگین	خطای انحراف معیار	سطح معناداری
ضعیف	متوسط	۱/۵۸	۰/۳۹۲
	خوب	۱/۷۳	۰/۰۵۰
متوسط	خوب	۰/۹۳	۰/۰۸۲

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی علل افزایش ورود زنان به دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه اصفهان پرداخته و میزان برآورده شدن این انتظارات از طریق برنامه درسی نیز مورد بررسی قرار گرفته همچنین تأثیر عوامل جمعیت شناختی بر افزایش گرایش به تحصیلات توسط زنان نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

زنان شرکت کننده در این پژوهش در مورد تأثیر اشتغال در تصمیم به ادامه تحصیل، در کل نظر تقریباً مثبتی داشته‌اند. بررسی نظرات دانشجویان شرکت کننده در مصاحبه، بیانگر این موضوع است که اکثریت افراد با هدف دستیابی به شغل وارد دوره کارشناسی ارشد شدند. از این افراد گروهی یافتن شغل با موقعیت بهتر و متناسب با تخصص خود و همچنین کسب درآمد بیشتر را مطرح نمودند و برای برخی علاقه به شغل‌های خاصی مانند استادی دانشگاه و حضور در فضاهای آموزشی به عنوان محیط کار، با اهمیت بود. این نتایج از دو جنبه قابل توجه است، از یک سو بالا بودن نرخ بیکاری در کشور را نشان می‌دهد که موجبات عدم توانایی افراد در پیدا کردن شغلی در ارتباط با تخصص و مدرک آنان را فراهم می‌کند که این مسأله می‌تواند ناشی از فزونی عرضه نیروی انسانی بر تقاضای واقعی در جامعه و همین طور کارآمد نبودن نیروهای تربیت شده برای حضور در بازار کار باشد. در همین راستا افراد به ویژه زنان ورود در مقاطع بالاتر علمی

را به امید کسب جایگاه شغلی مورد علاقه خود بر بیکاری ترجیح می‌دهند و از سوی دیگر، برای زنان به دلیل ویژگی‌های خاص روحی و جسمی ورود به محیط‌های کاری هم پای مردان دشوار و در برخی موارد غیر ممکن است. لذا در پی دستیابی به فضاهای فرهنگی که البته بیش از محیط صنعتی با روحیات آنان سازگار است تصمیم به ادامه تحصیل می‌گیرند.

در بخش کمی نیز از بین موارد ذکر شده در حیطه اشتغال، بیشترین تأثیر را بر کارایی بیشتر در مسؤولیت‌های شغلی، احراز شغل‌های مدیریتی و امکان اشتغال بیشتر دانسته‌اند. نتایج آزمون t معنادار نیست و به این معناست که دستیابی به شغل در تمایل زنان برای ورود به دوره کارشناسی ارشد به طور معنادار مؤثر نبوده است. با نگاهی به نتایج پرسشنامه مشاهده می‌شود که این یافته‌ها با نتایج مصاحبه هم‌خوانی ندارد. این عدم هم‌خوانی را می‌توان در اختلاف نظرات و یا برداشت‌های شرکت کنندگان در مصاحبه و پرسشنامه دانست. لکن با در نظر گرفتن مصاحبه‌ها که بیانگر این موضوع است که از جمله دغدغه‌های اصلی دانشجویان اشتغال است، و همین طور میانگین به دست آمده از حیطه (۳/۰۶) می‌توان به اهمیت این عامل در تصمیم‌گیری دانشجویان برای ادامه تحصیل توجه نمود.

دلایلی همچون اشتغال مطلوب‌تر و مناسب‌تر در بین زنان و البته به دور از محیط‌های تبعیض آمیز شغلی و

در نظر گرفتن نقش دانشگاه در تأمین نیروی کار مورد نیاز در جامعه حائز اهمیت است.

بررسی تمایل دستیابی به شغل بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی مبین آن است که تفاوت معناداری بین تمایل به دستیابی به شغل با توجه به عوامل سن، پای‌بندی مذهبی و رشته تحصیلی وجود ندارد اما در بررسی وضعیت اقتصادی دانشجویان تفاوت معنادار وجود دارد، به این صورت که دانشجویان با وضعیت اقتصادی ضعیف نسبت به دانشجویان دارای وضع خوب اقتصادی تمایل بیشتری برای ادامه تحصیل با هدف دستیابی به شغل دارند، آزمون‌های نظریه تبادل ضمنی بین کمیت و کیفیت فرزند گاهی به روابط منفی بین کمیت فرزند و سطح برخورداری آموزشی فرزندان در خانوارهای با موقعیت اقتصادی اجتماعی پایین و گاهی به رابطه‌ی مثبت در خانوارهای مرفه در کشور سوئیس دست یافته (Wolter & Vellacott, 2002) و برخی اصولاً تأثیر معناداری نیافته‌اند (Bauer & Gang, 2001). آزمون اثر درآمد دایمی با هدف تفکیک اثر درآمد دائمی و درآمد خانوار در سال ورود فرد به دانشگاه نشان داد که درآمد دایمی به ویژه درآمد خانوار در سنین ۶-۰ سالگی فرزند، تأثیر مهمی بر تحصیلات وی دارد. محدودیت مالی خانوار در زمان ورود فرد به دانشگاه تأثیر کمتر دارد (Aakvik et al, 2005). بر اساس آلبرت (Albert, 2000) موقعیت اقتصادی خوب پدر احتمال ورود به دانشگاه را افزایش می‌دهد.

نتایج حاکی از آن است که هدف دستیابی به شغل از جمله دلایل مهم و دارای اولویت برای ورود زنان به دوره کارشناسی ارشد است، اما آنچه مسلم است با توجه به نمونه مورد ارزیابی در این پژوهش، برنامه‌های درسی دانشگاه توفیق چندانی در برآوردن این انتظار زنان نداشته‌اند. این موضوع لزوم توجه مسؤولان برنامه ریزی در دانشگاه را برای بازنگری در برنامه‌های درسی موجود در دوره کارشناسی ارشد را مشخص می‌کند. پیشنهادهایی که در این زمینه می‌توان ارائه دارد عبارتند از این که در درجه اول دانشگاه اقدام به برگزاری دوره‌های کارآفرینی و پرورش خلاقیت نموده و دانشجویان را به شرکت در این دوره‌ها تشویق نماید، از روش‌های تدریس به گونه‌ای استفاده شود که

دارای عدالت و برابری، از جمله مواردی هستند که زنان را به ادامه تحصیل و افزایش سطح تحصیلات خود ترقیب می‌نماید (Naghavi, 2003; Hasanzadeh, 2007; Saedi, 2011; Baratali, Usofi & Jafari, 2008). درآمد مورد انتظار بیشترین تأثیر را بر تصمیم افراد برای ورود به دانشگاه دارد و افزایش هزینه‌های مستقیم و نرخ بیکاری، جوانان را به امتناع از سرمایه‌گذاری در تحصیلات دانشگاهی وا می‌دارد، ولی در عین حال، افزایش بیش از حد نرخ بیکاری باعث ترغیب آنها به ادامه تحصیل می‌شود. ضمن این که تأثیر متغیرهای خانوادگی به نوعی در درون مکانیزم درآمد مورد انتظار نهفته است و از آن طریق عمل می‌کند (Giannelli & Monfardini, 2000).

در زمینه رضایت دانشجویان از برنامه درسی، بررسی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مصاحبه شونده‌گان از برنامه دوره راضی نبودند و دلایلی همچون بیش از حد تئوری بودن دروس و نامناسب بودن روش‌های تدریس و برخی از سرفصل‌ها را بیان نمودند. از بین افرادی هم که از برنامه رضایت داشتند تعدادی اظهار کردند که چون هنوز وارد بازار کار نشده‌اند، در این مورد مطمئن نیستند. در نتایج کمی نیز درصد پایین گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد و همچنین نتیجه آزمون t بیانگر عدم توفیق برنامه در برآوردن انتظار دستیابی به شغل برای دانشجویان زن است. در مجموع در این خصوص، نتایج کمی با یافته‌های کیفی هم‌خوانی دارد که برآورده نشدن انتظار دست‌یابی به شغل دانشجویان از طریق برنامه درسی دانشگاه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود برنامه درسی که مورد بررسی قرار گرفته عموماً به دلایلی همچون کاربردی نبودن، عدم ارتباط با سازمان‌های خارج از دانشگاه به خوبی نتوانسته انتظار دانشجویان زن را که بیش از نیمی از جمعیت دانشگاه را تشکیل می‌دهند برآورده نماید. متخصصان تربیت شده در دانشگاه برای این که به یک نیروی انسانی کارآمد تبدیل شوند بایستی به صورت فردی برای بازار کار مورد نظر پرورش یابند. صرف دادن اطلاعات به صورت تئوری، نه تنها افراد نسبت به محیط‌های کاری ناآشنا بار می‌آورد، بلکه حتی توانایی عملیاتی کردن آموخته‌های خود را نیز نخواهند داشت. توجه به این امر با

Knowledge & reaserch in educational-planing, Vol 21, pp25-60 [Persian]

Conton, E. and R. Venniker (2001). Higher education reform: Getting the incentives right. CHEPS, Netherland.

Fazekashani Mohammad ebn shah Morteza, (1996), *Almhjh Albyza' fi Tahzib Alahya'*, translated by Mahdi Shamsaldin, No 3, Tehran: Shafagh [Persian]

Giannelli, G. C., & Monfardini, C. (2000). Joint decisions on household membership and human capital accumulation of youths: The role of expected earnings and local markets. IZA Discussion Paper, 191. Germany .

Hartog, J., and Brink, H. T. m. (2007). Human capital advances in theory and evidence. Cambridge university press, 2007. Information on this title: www.Cambridge.Org/9780521873161.

Hasanzadeh Ramezan, (2007), Evaluate the role higher education in social and economic advancement of women, journal of Knowledge&reaserch in educational-planing, Vol 12, pp71-86 [Persian.]

Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, (1996), Terran: Author [Persian]

Jawyaweera. S. (2000). Woman, education and empowerment in Asia. Gender and education. 9 (4). 411-423.

Maxwell. G and colleagues. (2000). How people choose vocational education & traning programs. NCVER, publ. australia. from, www.coced.edu.Au

Mohammadieruzbahani Kiyanoosh. Tarami Abolfazl, (2006), Motivation factors for the volunteers entering the university, quarterly journal of Research and Planning in Higher Education, Vol 37&38, pp103-126 [Persian]

Naghavi Fataneh, (2003), Investigated of Fields tendency of female students in higher education in the seventies, graduate dissertation of university of Esfahan [Persian]

Noland, B.E. & Deato N. (2001). Tennessee higher education comission higher school student opinion survey. from, <http://web.knoxnews.com/>

Qoran

دانشجویان را به فعالیت‌های مهارتی و عملی وادار نمایند. این امر موجب آشنایی بیشتر دانشجویان با محیط‌های کاری خواهد شد، محتوای درس‌ها به گونه‌ای تنظیم گردد که فرد را برای شغل آینده آماده سازد. به عبارت دیگر، رشته‌های دانشگاهی کاربردی گردد و پذیرش دانشجو با توجه به نیاز بازار کار و جنسیت صورت گیرد و متناسب با تقاضای واقعی کشور رشته‌های جدید دانشگاهی پیش‌بینی و ایجاد گردد. همچنین کلیه نهادها و سازمان‌های کشور اعم از دولتی و خصوصی تلاش نمایند بستر انجام فعالیت‌های کار آفرینی، نوآوری و تحقیق و توسعه را توسط زنان در این مراکز فراهم آورند.

منابع

Saedi Hasan, (2008), The relative gain entry to college girls: how and why that, graduate dissertation of university of Esfahan [Persian]

Aakvik, A. K., Salvanes, G., & Vaage, K. (2005). Educational attainment and family background. German Economic Review, 6 (3). 377-394.

Albert, C. (2000). Higher education demand in Spain: The influence of labor market signals and family background. Higher Education, 40 (2). 162 - 197 .

Azkiya Mostafa, (2002), Sociology of development, Tehran: Nashr institute [Persian]

Bagheri Khosro, (1999), Professional training in the context of Islam, Quarterly journal of seminary and university, Vol 14&15, pp46-61 [Persian.]

Baratali Maryam, Yousefy Alireza, MirshahJafari Ebrahim, (2011), Women, Employment & higher education, journal of Iran higher education, Vol 2, pp79-101 [Persian]

Bauer, T. K., & Gang, N. (2001). Sibling rivalry in educational attainment: The German case. IZA Discussion Paper, 180. Institute for the study of labor (IZA). Germany .

Bazargan Abbas, Keshvar Mohsen, Shagh Fakhteh, Mohammadi Reza, (2010), Internal evaluation of Persian language and literature PhD university of Tehran Case Study, journal of

Rabbani Rasul, Shahnushi Mojtaba, (2002), Foundations of sociology, Esfahan: Avayanoor [Persian]

Resolution 570 session of SCCR, (2006), Tehran: SCCR, <http://www.khorasan.ir> [Persian]

Rezayat gholam Hosayn, (2005), Consequences of increasing the graduation rate, college girls in the seventies, graduate dissertation of university of Esfahan [Persian]

Sadeghi Masood, Emadzadeh Mostafa, (2005), Analysis of economic factors effective employment of women in Iran, quarterly journal of Women, Vol 1(2), pp5-22 [Persian]

Sprague, A. (1998). Post war fertility and female labour force participation rates. Economic Journal. 98

Talebifare Ali Mohammad, (2002), Investigate the factors of Social - economic impact on women's employment, graduate dissertation of university of Esfahan [Persian]

Walker, J.C. (1996). Towards a contemporary philosophy of professional education. Education Philosophy and Theory. 28 (1). 76-97

Wolter, S. C., & Vellacott, M. C. (2002). Sibling rivalry: A look at Switzerland with PISA data. IZA Discussion Papers, 594. Institute for the study of labor (IZA).